

تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دوفصلنامه علمی، (مقاله علمی-پژوهشی) سال نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ۲۳۵-۲۰۷

تاثیر اعتقادات دینی بر جامعه ساسانی به روایت ماتیکان هزار دادستان با تاکید بر مبحث ستوری زنان

*سهیلا کامجو

**زهرا حامدی

***الهام ملک زاده

چکیده

در دوران فراز ساسانیان دین زرتشتی در مشروعیت بخشی به نظام ساسانی نقش قابل ملاحظه‌ای داشت. این مساله در افزایش دامنه تاثیر و بازخوردهای دینی در عرصه‌های مختلف خود را نشان داد. در این راستا مسایل حقوقی نیز به تبع دیگر حوزه‌ها تحت الشعاع قرار گرفت. در این اثنا حقوق زنان و بویژه مساله ستواری (قیمومیت) به استناد کتاب ماتیکان هزار دادستان که مهمترین متن حقوقی و قضایی بر جای مانده از این دوره است نیز تحت تاثیر قرار گرفت. جستار حاضر بر اساس روش توصیفی

* دانشجوی دکتری تاریخ پیش از اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد داراب، شیراز، ایران

SoheilaKamjoo@gmail.com

** استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد داراب، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

z_hamedi2003@yahoo.com

*** استادیار پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

Malekzadeh.elham092@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۰



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies).
This is an Open Access article distributed under the terms of the **Creative Commons Attribution 4.0 International**, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

تحلیلی بر آن است تا تاثیر آیین زرتشتی بر مباحث حقوقی زنان بویژه مبحث ستواری و چگونگی تحول در احکام ستوری را مورد واکاوی قرار دهد و در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که آیین زرتشتی چه تاثیراتی بر مباحث حقوقی زنان به ویژه بر مبحث ستواری داشته است؟ بررسی احکام ستوری نشان می‌دهد که زنان در ابتدا با قابلیت زایش و در ادامه با شایستگی توانستند به مقام ستواری در خانواده و اجتماع برسند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که وضعیت حقوقی زنان ستوار در این عصر با وجود کاستی‌هایی، موجب بهبود شرایط اجتماعی آنان شد بطوری که زنان توانستند به بهره‌مندی‌هایی همچون تن ستواری و سالاری خویش بر خانواده برسند. کلیدواژه‌ها: ساسانیان، ماتیکان هزار دادستان، ستواری، دین زرتشتی، زنان.

۱- مقدمه

بی‌تردید شالوده و روح فرهنگ دینی یک جامعه در شکل‌گیری و انسجام هویت آن اجتماع تأثیر فراوان دارد بنابراین اگر نمایی از هویت جامعه را بر مبنای مفاهیم دینی آن جامعه بسنجیم به بیراهه نرفته‌ایم. از طرفی حقوق و مزایای اجتماعی افراد را نیز از بنیان‌های دینی و هویتی آن جامعه می‌توان استخراج نمود. پوشش مذهبی شکل گرفته در دوره ساسانی که در دنیای باستان تازگی داشت با کاستی‌ها و نارسایی‌های فراوان از یکسو و انسجام و وحدت دینی از سوی دیگر روبه‌رو بود. جنبش‌های اجتماعی همچون مانی و مزدک و در ادامه اصلاحات حقوقی و قضایی که نمود این مطالب از آگاهی‌های مندرج در کتاب ماتیکان هزار دادستان قابل مشاهده است بیانگر این مطلب است که زنان به عنوان قشر وسیعی از جمعیت دوره ساسانی برای نخستین بار از محدودیت‌های خانه و باورهای پدرسالاری جامعه ایرانی رهایی یافته و با حضور در محاکم قضایی عصر ساسانی به ارائه دعوی پرداخته و خواهان بهبود مزایای خود شدند. فزون‌تر آنکه با وجود اصل سالاری پدر در تحولات اجتماعی و تاریخی، زنان این عصر توانستند حقوق اجتماعی و شرایط قابل توجهی نسبت به سایر دوره‌های گذشته در فلات ایران کسب کنند. تبعیض حقوقی زنان نسبت به سایر افراد جامعه پیشینه طولانی در فلات ایران داشته و فراز و فرودهای زیادی را پشت سر نهاده است آنچه مسلم

است کسب امتیازات حقوقی زنان در مبحث ستوری (قیم بودن) و حضور در اجتماع پا به پای مردان در دوره ساسانی در نتیجه اعتراض به شرایط نابسامان زنان تحقق پیدا نمود و البته پروسه‌ای نسبتاً طولانی بود که در این دوره به بار نشست و مجال بروز یافت. هر چند در ابتدا قدرت باروری و زایش زنان در خدمت قوانین قیومیت و ستوری برای تداوم نسل قرار گرفت، اما در ادامه زنان توانستند در موارد مختلفی چون اداره اموال به عنوان امین در جامعه به ایفای نقش پردازند. بنابراین مسأله این پژوهش شناسایی ارتباط بین مبانی دین زرتشتی در دوره ساسانی و مبحث ستواری زنان است. یافتن پاسخی به این سوال که دین در دوره ساسانی چه تأثیری بر فتوهای حقوقی به‌ویژه ستواری زنان داشته است؟ و تعالیم دین زرتشتی تا چه میزان در این زمینه موفقیت‌آمیز بوده‌اند؟ فرضیه مورد نظر آن است که قضات عصر ساسانی که همان موبدان زرتشتی بودند با رویکردی دینی حقوقی به حمایت از زنان ستوار پرداختند که منجر به حضور بیشتر زنان در عرصه‌های اجتماعی گردید و زمینه رسیدن آنان به مقام ستواری و حصول بهره‌مندی‌هایی در این زمینه را فراهم نمود. از سوی دیگر باورمندی به آیین مزدایی از مواردی بود که زمینه حضور زنان را در اجتماع به عنوان افرادی امین و مورد اعتماد فراهم ساخت. تا کنون پژوهش مستقلی در باره ارتباط مبانی دین زرتشتی و ستواری زنان به استناد کتاب ماتیکان هزار دادستان صورت نگرفته است اما پژوهش‌های عمیقی در حوزه حقوق زنان عصر ساسانی موجود است و نویسندگانی در این زمینه قلم فرسایي نموده‌اند. از جمله کریستیان بارتلمه در کتاب زن در حقوق ساسانی (بارتلمه، ۱۳۳۷) به شرایط حقوقی زنان در این عصر پرداخته است. نیز علی اکبر مظاهری در کتاب خانواده ایرانی در دوران پیش از اسلام (مظاهری، ۱۳۷۷) وضعیت اجتماعی زنان دوره باستان را مورد بررسی قرار داده است. همچنین کتابیون مزداپور در پژوهشی با عنوان بررسی چند اصطلاح فارسی میانه درباره خانواده (مزداپور، ۱۳۸۹) حقوق طبقه‌بندی شده زنان دوره ساسانی را بیان نموده‌اند. علی کاکای افشار در کتاب مادگان هزار دادستان (کاکای افشار، ۱۳۹۸) از دیدگاه حقوقی به بررسی فتوهای کتاب ماتیکان پرداخته‌اند. لیکن این مقاله به‌صورت مطالعه موردی با رویکردی تاریخی جامعه‌شناختی و به روش توصیفی تحلیلی، سعی در بررسی وضعیت

حقوقی و اجتماعی زنان ستوار به استناد کتاب ماتیکان هزار دادستان و تغییر و تحولاتی که در دوره ساسانی متأثر از فضای سیاسی-دینی صورت پذیرفته دارد که در نوع خود بدیع محسوب می‌شود و پس از ارزیابی شاخصهای هویتی و دینی جامعه ساسانی بر مبنای کتاب یاد شده، به ابعاد و بسترهای حقوقی زنان ستوار در ایران عصر ساسانی پرداخته است.

۲- تاملی در شاخصه‌های دینی ساسانیان

دین در گات‌ها به معنای کیش، خصایص روحی و نیز واژه‌ای از اصل آرامی عبری ست که به زبان پارسی راه یافته است، دین قطع نظر از چگونگی منشأ آن امری است که جنبه اجتماعی آن مسلم است و تأثیر و نفوذ عوامل دین در حوادث تاریخی محقق است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۱۴۱۷). همچنین به نقل از ریمون، دورکیم در حوزه جامعه شناسی دین از نخستین کسانی است که به طرح و جایگاه دین در اجتماع اشاره می‌کند وی معتقد است دین با اعمال و تعلیم تسلط بر نفس، انسان را برای ورود به اجتماع آماده ساخته و همبستگی اجتماعی در سایه دین معنا پیدا می‌کند (ریمون، ۱۳۶۳: ۶۱-۴۲). یکی از شاخص‌هایی که به حکومت ساسانی مشروعیت بخشید دین زرتشتی بود. ساسانیان در سایه وحدت دینی و با استفاده از بنیان‌های دینی و قدسی توانستند به برخی اهداف سیاسی و اجتماعی نیز دست یابند. در نامه تنسر که از متون مهم باقی مانده از عصر ساسانی ست به پشتوانه و حضور غنی دین در امور اجتماعی پرداخته شده و از آن به‌عنوان عنصری جهت تحکیم جامعه یاد شده است تنسر که از موبدان عصر ساسانی ست درون مایه نظم اجتماع را دین و سیاست به‌صورت توأمان می‌داند (نامه‌ی تنسر، ۱۳۵۴: ۶۶-۵۶). بی‌گمان اتکا به مذهب زرتشت از تفاوت‌های اساسی ساسانیان با دیگر حکومت‌های ایران باستان است (نفیسی، ۱۳۸۳: ۵۹). باید توجه داشت که بررسی یک فرهنگ با توجیه دینی ساختارهای گوناگون اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. ساسانیان هویت خود را نه در حاشیه دین بلکه در متن آن جستجو می‌کردند و این نکته ورود عالمان دینی به عرصه اجتماع را در پی داشت. دین زرتشت در این عصر نقطه قوت و شاه‌رگ حیاتی حکومت بر مردم نیز بوده است. عناوین و مشخصه‌های هویتی ساسانیان را در مذهب آنان به وضوح می‌توان یافت. نیز اصول و بنیان‌های فکری ارائه شده در جهت

اصلاح امور از جمله مسأله ستواری با منشأ دینی ارائه می‌گشت زیرا پذیرش اذهان عمومی و مقبولیت را در پی داشت.

بنابراین عناصر فرهنگی جامعه ساسانی ریشه در آموزه‌های دین زرتشت داشت و محصول آن بوده است.

ماتیگان هزار دادستان یکی از بارزش‌ترین اسناد حقوقی و قضایی در دوره ساسانی است (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۴۲-۴۱)، و به مباحث دینی از منظر حقوقی پرداخته و در واقع قوانین مدنی است (Macuch 2005: 287). این کتاب به زبان پهلوی ساسانی توسط یکی از موبدان (فرخ مرد بهرامان) که به امور دینی، حقوقی و قضایی آگاه بود گردآوری شد. در واقع ماتیگان را باید یک رویه قضایی دانست بدین معنا که موبدان قضات، بر اساس تعالیم اوستا به پرونده‌های قضایی رسیدگی و به صدور حکم می‌پرداختند. (مادیان هزار دادستان، ۱۳۹۳: ۱۷-۲۸). بدین سان موبدان به عنوان ناظرین شرع و عرف دارای نفوذ اجتماعی بوده و امور قضایی در اختیار آنان بود (اکبری، ۱۳۸۲: ۸۲). از طرفی مبانی حقوقی و فتوهای مطرح شده در کتاب ماتیگان توسط قضات متعددی مطرح شده است (کریستنسن، ۱۳۸۵: ۳۶-۳۵).

به این ترتیب راه‌یابی متصدیان دین در عرصه قضاوت، ورود باورها و انگاره‌های دینی و تعیین حکم بر مبنای آن را در پی داشت آنچه مسلم است موبدان زرتشتی با رویکردی خاص به تأویل آموزه‌های زرتشت پرداختند.

بر مبنای رسوم آریایی‌های مهاجر به فلات ایران زن هیچ‌گونه استقلال حقوقی نداشته و پس از ازدواج می‌بایست به کارهای خانه و تأمین نیاز اهالی منزل بپردازد (مظاهری، ۱۳۷۷: ۱۱۰)؛ اما تا قبل از هخامنشیان و در تمام دوران سلطنت ایلامی‌ها که پیش از مادها و پارسها نزدیک به دوهزار سال در جنوب فلات ایران حکومت کردند زن احترام ویژه‌ای داشته و ملاک پادشاهی مردان، انتصاب به ملکه نخستین (خواهر موسس سلسله ایلام) بوده است (بهار، ۱۳۸۴: ۴۰۲) شواهد حاکی از آن است که سنت مادرسالاری در اواخر دوره حکومت ایلام رنگ باخته و اندیشه پدرسالاری قوت گرفته است. بطوری که در پیمان نامه‌های شوش به نام ایزدان مذکر سوگند می‌خوردند. با ورود آریاییها به فلات ایران آثار دادوستد های

فرهنگی مانند سنتهای عتیق زن سالاری بومی ایلامی که هنوز کاملاً محو نشده بود و اندیشه پدرسالاری ریشه دار آریایی و نیز سنتهای اقوام سامی نوعی تقابل و تضاد را ایجاد نمود. (مزدپور، ۱۳۹۴: ۲۶۶-۲۶۵) بدین سان ترکیب این خرده فرهنگها سرنوشت حقوقی زنان در فلات ایران را به نوعی رقم زد. و در ادامه فراز و فرودهای فراوانی را طی نموده و در معرض برداشت ها و تصرفات مختلف قرار گرفت.

بنابر این محروم بودن زنان از حقوق اجتماعی و حتی خانوادگی از ابتدای ورود آریاییها به فلات ایران وجود داشته و البته قوانین مادر سالاری کهن بومی، نوعی تعارض همراه با تنش را در بین خانوادهها و زنان ایجاد نمود. اگر وضعیت حقوقی زنان را به دو دوره قبل و بعد از ظهور زرتشت تقسیم کنیم شرایط حقوقی آنان روشن تر خواهد بود.

حقوق زن آریایی قبل از اصلاحات زرتشت، بسیار پایین و در ردیف حقوق بردگان بوده است (مظاهری، ۱۳۷۷: ۸۲) و از آنجایی که دین زرتشت یک آیین اخلاقی بود (ناس، ۱۳۸۵: ۴۵۶). محدودیت و محصور بودن زنان را مورد سؤال قرار داد. البته موارد مطرح شده در آیین زرتشت بیشتر در قالب مفهوم قداست نظام خانواده قابل بحث است زیرا خانواده به عنوان کوچکترین گروه اجتماعی اساس و پایه انسجام اجتماعی محسوب شده و مشکلات خانوادگی به بطن اجتماع راه خواهد یافت. نهاد خانواده و تکلیف‌گرایی اعضای آن و رعایت بعد اخلاقی از محورهای دین زرتشت محسوب می‌گردد چنانکه بیان گردید تاکید بر اخلاقیات در دین زرتشت می‌بایست بهبود شرایط حقوقی زنان را در پی داشته باشد. در کتاب مقدس زرتشتیان نیک مردان و نیک زنان در کنار هم ستوده شده‌اند (یسنا، بی تا، هات ۳، بند ۸: ۱۳۴).

تردید نیست که مطلب یاد شده از متن یسنا بیانگر وجود اجحاف و تبعیض نسبت به زنان در دوره‌های مختلف بوده است، که پس از ظهور زرتشت و تاکید بر پنداره‌های اخلاقی در جامعه این وضعیت تا حدودی بهبود یافت.

زمین و جهان هستی در باور ایرانیان بصورت مونث پنداشته شده است (Bartholomae 1961: 476)، این تصور برگرفته از اهمیت و نقش و کارکرد زن در برهه‌هایی از تاریخ است به دلیل مبحث زایش و مشابهت آن با زمین.

با وجود تمامی تأکیدی که آیین زرتشتی بر یکسان بودن حقوق انسانی زن و مرد دارد زرتشت زنانی را که فرزند پسر به دنیا می‌آورند ستایش نموده و از آنها با احترام یاد می‌کند (Geldner 1886: 70) بنابراین رگه‌هایی از مهم‌تر بودن نقش مردان در اوستا نیز به چشم می‌خورد.

یکی از آیین‌ها و باورهای رایج در دوره ساسانی گرایشات زروانی است که سابقه پرستش و گرایشات این آیین به سده چهارم ق.م می‌رسد که تقریباً می‌توان آنرا همزمان با دوره هخامنشی دانست (بنونیست، ۱۳۸۶: ۵۱). در دهه‌های پایانی حکومت هخامنشی زروانیسم در ایران ریشه یافت و با گذشت زمان بصورت یک باور مذهبی پابرجا ماند (بویس، ۱۳۸۶: ۲۵۱). احتمالاً این آیین در دوره اشکانی از مقبولیت برخوردار بوده است. (هینلز، ۱۳۹۵: ۱۱۱) دیدگاه بدبینانه نسبت به زنان از ویژگی‌های آیین زروانی است و ممکن است عدم شرکت زنان در آیین‌های مهری در نتیجه این تفکر باشد (بهار، ۱۳۹۰: ۷۲) زروانیان معتقد بودند که نیروی جنسی زن باعث آشوب و شر در جهان شده است در بندهش اورمزد معترف است که گر چه زنان یاور او هستند به این دلیل که مردان را می‌زایند اما اگر موجود دیگری غیر از زن را می‌یافت زنان را نمی‌آفرید اما هر چه تلاش کرد موجود دیگری را نیافت. (بندهش، ۱۳۹۷: ۸۳-۸۴) در باب آفرینش جهان نیز، اولین مخلوقات یعنی آتش نرینه (مرد) و آب مادینه (زن) تصور شده اند بر این اساس زروان دو عنصر نرینه و مادینه که یکی روشنایی و دیگری تاریکی ست یعنی آب و آتش را پدید آورد بنابراین اصل مادینه آب و تاریکی ست که وجود تاریکی نیز به معنای بدی ست. زنر معتقد است که آب به عنوان اسطوره اصلی زروانی به نیروی بدی تعلق داشته و در مقام ستیز با خدای روشن که نرینه و سود رسان است خودنمایی می‌کند وی همچنین معتقد است که ممکن است این الهه وابسته به آب، بازمانده یک ایزد قدیمی عالم اسفل باشد که به آیین مزدیسنی راه یافته است (زنر، ۱۳۸۴:

۱۲۰-۱۲۱) بنظر میرسد آیین زروانی در دوره ساسانی از اهمیتی خاص برخوردار بوده با این حال حتی در این عصر نیز احتمالاً آیین زروانی نهضتی فکری در داخل دین زرتشتی بوده است تا فرقه ای متمایز (هینلز: ۱۳۹۰: ۱۱۱) شواهد حاکی از آن است که آیین زروانی دین مستقلی نبوده بلکه صرفاً می توان آن را بصورت یک رشته اعتقادات و باورها پنداشت که در دوره ساسانی تحت تاثیر دیگر اندیشه های وحدانیت دینی خود را بازسازی نموده است. هینلز معتقد است که امکان دارد در میان زرتشتیان سنت گرا هم افرادی بوده باشند که دیدگاه بدی نسبت به زنان داشته اند بنابراین شاید بطور خاص این عقیده زروانی نباشد. با توجه به این نکته که در سایر ادیان مانند مسیحیت نیز، چنین نظریه هایی در باب زنان وجود دارد بنابراین منصفانه نیست که به هر عقیده نامتداولی برچسب زروانی زده شود (همان، ۱۱۶) بنابراین هر چند آیین ها و اندیشه ها در تماس و برخورد با یکدیگر از هم تاثیر می پذیرند بطور مسلم نمی توان اندیشه های زن ستیزی که در برخی متون پهلوی، مشاهده میشود را منسوب به عقاید زروانی دانست و این نظریه را باید با احتیاط مطرح نمود زیرا از تاریخچه پیدایش اندیشه های زروانی اطلاعات دقیقی در دست نیست و بنا بر فرضیه ای که زرتشتی محتاطانه مطرح می کند ممکن است الهه آب که نماد تاریکی ست مرتبط با یک ایزد کهن در جامعه ای ابتدایی و پست باشد که به آیین زرتشتی راه یافته است. البته این نکته را نمی توان انکار کرد که این اندیشه ها و رواج آنها مبنای بسیاری از تظلم ها و کنار زدن زنان از عرصه های اجتماعی بوده است که در متن قضایی ماتیکان در بسیاری از فتوهای حقوقی به مخالفت با آنها برخاسته شده است.

۳- ستواری زنان در ماتیکان هزار دادستان^۱

ستواری در فارسی به معنای استوار و گماردن امین است برای پسری نابرنایا مردی که بدون بر جای نهادن پسری برای ادامه نسل خویش وفات نموده است در واقع شخصی که در دوره زندگانی خویش نتوانسته نسل خود را حفظ و یا پسری داشته باشد، برای چنین شخصی سهم مالش را در خانواده محفوظ نگه می داشتند و برای اداره آن یک ستوار (امین) تعیین می نمودند تا با گرفتن موافقت زن و شوهری برای بدنی آوردن پسری به عنوان فرزند آن مرد

متوفی، سهم مال را پس از جوانی طفل، به او داده و نسل او را ادامه دهد (مادگان هزار دادستان، ۱۳۹۸: ۱۰۸-۱۰۶) از طرفی در کتاب ماتیکان به این مطلب اشاره شده که اگر مرد در هنگام وفات دارای زن و فرزند نباشد شخصی به عنوان قیم باید گمارده شود تا نسل وی با آوردن فرزند پایدار بماند. (مادیان هزار دادستان، ۱۳۹۳: ۱۰۱). سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا زنان می‌توانستند به مقام ستوری و قیم بودن برسند؟

فتواها و مندرجات مطرح شده در کتاب ماتیکان در مساله ستوری این نکته را می‌رساند که ستوری زنان منوط به ازدواج دختر با مردی با این شرط است که فرزند آنها بنام پسری که قبل از پانزده سالگی و یا قبل از ازدواج در گذشته، در آید که در اینصورت ایجاد امکانات و هزینه‌های زندگی این نوع ازدواج بر عهده والدین متوفی می‌باشد. در این نوع ازدواج دو حالت ممکن بود وجود داشته باشد اینکه شخص متوفی دارای خواهر بوده که در اینصورت یکی از خواهران پس از ازدواج فرزند خود را به نامگاه برادر در می‌آورد و اگر جوان در گذشته دارای خواهر نباشد دختری را به ازدواج مردی در آورده و فرزند وی را بنام متوفی نامگذاری می‌کردند (همان، ۱۰۵). چنان‌که پیداست قیم بودن و ستواری زنان مرتبط با مبحث زایش و تداوم نسل بوده است و در این میان چنانکه اشاره شد در اوستا نیز بر تولد فرزند پسر برای ادامه نسل تاکید شده است، پیداست که این سبک ازدواج صورتی بوده و برای پیوند و ماندگاری نسل انجام می‌گرفته است.

به عقیده زرتشتیان کسی که فرزند پسر نداشته باشد عبورش از پل چینوت بسیار دشوار خواهد بود (بارتلمه، ۱۳۳۷: ۴۶) بنابراین مبانی نظری اندیشه برتری فرزند پسر هنوز در جامعه عصر ساسانی رایج بوده اما نسلی که خواهان تغییر وضعیت حقوقی زنان بود این موارد را منطقی نمی‌دانست و برای به عرصه کشاندن زنان تلاش می‌نمود.

گستره آشفته‌گی‌های اجتماعی عصر ساسانی لزوم انجام اصلاحاتی را در مباحثی چون ازدواج و مالکیت (قیمومیت) ایجاد نمود (Crone 1991:20-43). اصلاحات ساسانیان که از دوره قباد آغاز و در دوره خسرو انوشیروان به سرانجام رسید (گوبل، ۱۳۸۴: ۱۰۵). تحولی را در وضعیت حقوقی افراد جامعه ایجاد نمود. اوضاع نابسامان اجتماعی و حقوقی و فقر و

محرومیت در بین اقشار متوسط و پایین جامعه لزوم ایجاد اصلاحات را تسریع کرد (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۴۳۲).

زنان که اجتماع گسترده‌ای را دارا بودند با انجام اصلاحات به عرصه اجتماع وارد شده و به مشارکت و رقابت با مردان پرداختند. بنابراین زنان دیگر در محیط خانه محصور نبودند و می‌توانستند به فعالیت اجتماعی و اقتصادی و امور خارج از منزل بپردازند (سگالن، ۱۳۸۰: ۳۳۳). مطلب قابل تاملی که در بحث ستواری زنان وجود دارد این است که آیا زنان ستوار دارای ویژگی‌های خاصی بوده‌اند یا همه زنان می‌توانستند به ستواری برسند؟

عربان در ترجمه خود از کتاب ماتیکان هزار دادستان ویژگی زنان ستوار را این‌گونه بیان می‌کند:

۱- شوهر نداشته باشد

۲- کنیز نباشد

۳- از راه فساد امرار معاش نکند

۴- فرزند خوانده نباشد (مادیان هزار دادستان، ۱۳۹۳: ۱۰۵)

بنابراین قیم بودن زنان مشروط به عواملی بوده است که از طرفی بیانگر شرایط تاریخی زنان در رسیدن به این مقام و از سوی دیگر آموزه‌های دینی زرتشتی نیز بر این مطلب پافشاری نموده‌اند.

مصادق این مساله در ماتیکان کاملاً مشهود است چنانکه گفته شده: چنانچه شخصی مالی را برای قیمومیت متناوب به زنان خویش (مردی که دارای چند همسر باشد) واگذارد قیم آن زنی خواهد بود که در همان سال بزاید (همان، ۲۱۱). بنابراین مبحث فرزندآوری زنان از مهمترین نقش‌ها و کارکردهای آنان هم به لحاظ دینی و هم اجتماعی بوده است، به طوری که چکرزن (زن بیوه) که فرزندی ندارد و همسرش نیز در گذشته است به عنوان تنها بازمانده شوهر، مسئولیت تداوم نسل شوهر متوفی خویش را بر عهده دارد و چنین زنی تا سن ۷۰ سالگی توان زایش دارد^۲ (مادگان هزار دادستان، ۱۳۹۸: ۳۶۴). پریخانیا سن زایش زنان را در ترجمه خویش عدد ۷۰ ذکر نموده اما در یادداشت‌های خود معتقد است که عدد ۷۰

ممکن است اشتباه باشد، بلسارا عدد ۳۰ را قید نموده و ماتسوخ معتقد به عدد ۵۰ است در حالیکه همان عدد ۵۰ برای سن زایش زنان منطقی تر است (مادیان هزار دادستان، ۱۳۹۳: ۲۲۵-۲۲۴) به طوری که ملاحظه گردید این ویژگی زنانه یکی از بارزترین شاخصه‌ها در امر قیمومیت و بر عهده گرفتن تکلیف در خانواده بوده است به این معنا که زنان زایا قابلیت و توانایی بیشتری در مشارکت اجتماعی داشته‌اند و این مساله از امتیازات یک زن در مساله ستوری نیز بوده است.

در تایید این مطلب وست نیز معتقد است چنانچه زن از شوهر نخست خود فرزند نداشت به عنوان ستور زن می‌توانست ادای تکلیف نموده و نیمی از فرزندانش از شوهر دوم و خود او در جهان دیگر به شوهر اول تعلق می‌یافت (West 1977:144-142) اهتمام به داشتن فرزند و گماشتن ستور برای افراد بی فرزند، در نتیجه تاکید ست که آیین زرتشت بر این مساله داشت و به نوعی در دوره ساسانی جنبه قانونی و حقوقی پیدا کرد. شرکت زنان در امر ستوری همراه با مردان در این عصر در روند تحول و پویایی اجتماعی عصر ساسانی در مباحث حقوقی چشمگیر بود و انگاره زمان سهم مهمی را در این میان ایفا کرد زیرا این مساله به یکباره اتفاق نیفتاد بلکه گذشت زمان و تلاش و اعتراضات و اصلاحات اجتماعی سبب تحولات بنیادین در مباحث حقوقی و اجتماعی گردید.

این نکته را باید در نظر داشت که هر چند فتوهای حقوقی ماتیکان در مبحث حقوق زنان امتیازاتی را نسبت به دوره‌های پیشین دارد اما به معنای بهره‌مندی کامل و یکسان حقوق زنان و مردان نیست زیرا با وجود پیشرفت حقوقی زنان، هنوز قابلیت‌های مردانه و استفاده از اصل سالاری پدر و برتری فرزند پسر در ماتیکان در جریان است. بطوری که پدری که دارای پسر است قیمومت او به دختر نمی‌رسد (مادیان هزار دادستان، ۱۳۹۳: ۱۴۹) و بر مبنای رای ماه ونداد (یکی از قضات عصر ساسانی) قیم بودن دختر در مواردی منوط به این مساله است که مادرش در هنگام زندگانی پدر خود شوهر کرده باشد یا مرتکب گناهی با مجازات مرگ ارزان شود و یا تبعید گردد (همان، ۱۵۰). در برخی اندرزننامه‌های باقی مانده از دوره ساسانی مانند اندرزننامه آذرپاد مهراسپندان به زنان به عنوان افرادی غیر قابل اعتماد نگریسته شده است

(اندرزنامه های پهلوی بی تا: ۲۰) و نیز در این کتاب به عدم وجود عقل و خرد در زنان اشاره شده است (عریان، ۱۳۷۱: ۸۵) در این نگرش‌ها رد پای اندیشه‌های کهن و دیدگاه‌های سنتی نسبت به زنان به وضوح دیده می‌شود. در واقع در دوره ساسانی هنوز دیدگاه‌های سنتی در مورد زنان رایج بوده و در جریان دادرسی‌ها چنان‌که اشاره گردید به اجرا در می‌آمده است، در کتاب کلیله و دمنه که در دوره انوشیروان ساسانی از هند وارد ایران شده و از سانسکریت به پهلوی ترجمه گردید زنان مانند افعی دانسته شده اند که نمی‌توان به آنان اعتماد نمود (منشی، ۲۰۸: ۱۳۷۷). می‌توان گفت رسیدن زنان به جایگاه حقوقی و مشارکت اجتماعی آنان در مواردی همچون ستوری یک پروسه طولانی بوده و به یکباره بدست نیامده که در این میان نقش دین زرتشت و آموزه‌های اخلاقی آن را نمی‌توان نادیده انگاشت.

به طوری که آتشکده‌ها به عنوان متولیان امور دینی در جریان زن ستوری که در واقع ادامه پیوند و نسل پسری بود وارد عمل شده و وام و هزینه پرداخت می‌کردند (مادگان هزار دادستان، ۱۳۹۸: ۳۶۰). ورود مراکز دینی و دخالت و در مواردی ضرورت کسب اجازه و تایید آنان در مبحث ستوری زنان به نوعی بیانگر قدرت دین زرتشت و اعمال نظر موبدان و قضات در زمان یاد شده می‌باشد.

در واقع *stur* (قیم) دارای مسولیتی قانونی و شرعی بود که حتی در صورت عدم وجود شخص ذیصلاح در خانواده متوفی، مرجع قانونی و شرعی می‌توانست در این امر مداخله نموده و توافق را تایید نماید (مادیان هزار دادستان، ۱۳۹۳: ۱۳۸). در اینجا منظور از مرجع قانونی و شرعی همان قضات هستند که معمولاً موبدان زرتشتی بودند که به امور ارجاعی در دادگاه‌ها رسیدگی نموده و رای صادر می‌کردند. دقت در بند زیر این مطلب را روشن‌تر می‌کند.

چنانچه بانوی خانواده به سبب فوت، قیمومیت را از دست بدهد درحالی‌که اینگونه نوشته باشد که من قیمومیت را پس از فوت خودم واگذاردم، در این خصوص برخی صاحب‌نظران گفته‌اند از آنجا که او قیمومیت را در زمانی وا گذاشته که دادوران (قضات) باید قیم می‌گماردند این اقدام از دیدگاه قانون معتبر نیست در واقع انتقال قیمومیت پس از فوت

تنها به استناد رای دادگاه یا انتصاب بوسیله خانواده پدری قابل قبول است (همان، ۲۰۸-۲۱۱) در تایید ورود دین به آرائی صادره در مبحث ستوری زنان توجه به این بند از کتاب ماتیکان نیز قابل تامل است.

«مرد هرگاه -ش بی زن یا آن ای انیریه دارد یا ا-ش بی نابرنایک ای به اکدینی شویت آن ای فرزند نیست ستوار واگماریش»

Mard ka-š bē zan ayāb an i anērīh dārēd ayāb-iš bē aburnāyag i ō ag-dēnīh šawēd anē frazand nēst stūr ōh gumārišn.

به این معنا که وقتی مردی بدون همسر است یا زن غیرایرانی / غیر زرتشتی دارد و یا فرزند نابالغی دارد که متمایل به دین مادرش (دین غیر زرتشتی) شود و فرزند دیگری در میان نیست باید برای وی ستوار گمارند و یا موجبات ازدواج ستواری را فراهم آورند تا فرزند پسر متولد شده از این ازدواج نسل پدر را تداوم بخشد (مادگان هزار دادستان، ۱۳۹۸: ۳۵۰). این نکته تاکید بر پذیرش و ادامه دین زرتشتی به عنوان دین رسمی کشور حتی در مباحث خانوادگی و زن ستوری را می‌رساند و فرزندی که دین غیر زرتشتی داشته باشد برای ادامه نسل شایسته و پذیرفته نیست.

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا زنان در مساله قیمومیت و ستوری، به میل خود می‌توانستند تصمیم بگیرند یا خیر؟

در پاسخ به این سوال گفته شده زن متوفی نمی‌تواند با تصمیم خودش ستوار دیگر شود ولی دیگران که سرپرست قانونی وی محسوب می‌شوند در این مورد تصمیم بگیرند. به این معنا که اگر مردی بدون فرزند و بدون نسل در گذشته رضایت زن بیوه‌ای که به عنوان ستوار زنی به همسری فرضی متوفای دیگر درمی‌آید کافی نیست و کسی که پس از درگذشت شوهر سرپرست این بیوه می‌شود می‌تواند تصمیم بگیرد^۳ (همان، ۱۰۹). چنان‌که ملاحظه گردید زنان در صورت صلاحدید و رضایت سالار یا سرپرست می‌توانستند به مقام ستوری برسند به این معنا که زنان همواره باید دارای سالار بوده که این سرپرست معمولاً مردان بوده‌اند که می‌توانستند در امور ستوری زنان مداخله نموده و تصمیم بگیرند.

سوال دیگری که قابل تامل بنظر می‌رسد این است که اگر در خانواده فرزند پسر وجود نداشته باشد آیا قیمومیت و ستوری را به دختران واگذار می‌کردند یا خیر؟ در پاسخ به این سوال گفته شده:

«هر گاه ستواری کرده باز به بن شود دخت ۲، آن جا آن ی مه را باید خواست»

Ka stūr i kardag abāz ō bun šawēd, dux II ān gyāg ān i mih ōh abāyēd
xwāst.

یعنی هرگاه ستوار باید تعیین شود و در دوده ۲ دختر باشد آن که مه (بزرگتر) است برای ستواری مناسب است. ستواری در این بند نیز قبول مسئولیت برای ادامه نسل دوده در صورتی ست که خانواده فرزند ذکوری ندارد و سرپرست او نیز در قید حیات نبوده و امکان داشتن فرزند پسر برای او وجود ندارد (همان، ۳۴۰). بنابراین زنان و فرزندان همواره تحت سرپرستی سالار دوده بودند (perikhanian1997:179).

سوال دیگری که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا زنان بدون سالار می‌توانستند به قیمومیت برسند یا اساساً این مساله باتوجه به موارد مطرح شده در ماتیکان امکان‌پذیر نبوده است؟

۴- تن ستوار

«مرد زیوندگان دوده (ستوار) و ابود چه به زن همداستان بوده‌اند که تن ستوار و ژینیک ستوار هرو ۲ و ابود و نابونا یک مرد نیز پدر دودکی (ستواریه) ایگون چگون نون نیز چه اش چیز جدایی نی بود»

Mard zīndagān dūdag <stūr> ōh bawēd čē zan ham-dādistān būd hēnd
kū tan-stūr ud zēnīg-stūr har II ōh .bawēd aburnāyag mard-iz pid dūdag
<stūrhl> ōwōn čiyōn nūn-iz čē-š čiš-iz čiš juttar bi nē bawēd.

به این معنا که هرچند زنان و دختران نمی‌توانستند بدون سردار باشند و شوهر، برادر و پدر همواره به عنوان سردار در زندگی‌شان حضور داشته‌اند اما این سرداران می‌توانستند سرداری را به خود زنان واگذار کنند که در این صورت به این زنان تن ستوار گفته می‌شود یعنی خودشان برتن خودشان امین هستند.

در تن ستواری از طرف شوهر در واقع جدایی اتفاق نمی‌افتاد اما این حق به زن داده می‌شد که با میل خویش ستوار زنی، پسر یا مردی که بی‌پیوند در گذشته را بپذیرد تا فرزند متولد شده از همسرش که این اجازه را داده (یعنی سرداری را به زن واگذار نموده) پس از تولد به عنوان پسر آن در گذشته به حساب آید و سهم ارث آن در گذشته نیز پس از دریافت حق‌الزحمه در سن ۱۵ سالگی به آن فرزند ستواری تحویل دهد تا وی دوده بنام متوفی تشکیل داده و روان در گذشته را از اینکه به خویشکاری ادامه نسل عمل نموده شاد کند (مادگان هزار دادستان ۱۳۹۸: ۳۶۲-۳۶۱). در چنین حالتی که زنان از سالاری مردان خارج می‌شدند این امکان وجود داشت که خود به مقام سالاری برسند. (مزداپور، ۱۳۸۹: ۱۶) بنابراین به زنان این حق داده شده بود که با شرایطی و با رضایت خویش، ستواری در موارد مختلف از جمله زن ستواری و قیمومیت مالی و موارد دیگر را در جامعه عهده‌دار شوند و مهمتر آن که به مقام سالاری نیز برسند. احتمالاً امتیازات ذکر شده شامل پادشاه زنان (همسران قانونی) می‌شده است زیرا این نوع ازدواج در متن قضایی ماتیکان شایسته‌ترین و پادشاه زنان از امتیازات و حقوق اجتماعی بالاتری برخوردار بوده‌اند. برخورداری زنان از حق ستواری بدون سرداری مرد، در واقع بیانگر پیشرفت و جهش حقوقی زنان در دوره ساسانی بود.

مزدک معتقد بود که اموال و زنان ریشه بسیاری از اختلافات اجتماعی محسوب می‌شوند (کریستنسن ۱۳۹۴: ۳۴۰). بنابراین مساوات و برابری در موارد یاد شده از جمله تعالیم مزدک بود. جنبش اجتماعی مزدک زمینه اصلاح و تغییرات حقوقی زنان را به سرانجام رساند زیرا اقشار آسیب‌پذیر جامعه و افرادی که از حقوق اجتماعی محروم مانده بودند به این جنبش پیوستند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۷۰-۱) و از آن جایی که در دین زرتشت تلاش و کار از ویژگی‌های افراد و بندگان خاص خداوند است (آسموس، ۱۳۸۶: ۱۱۱). زنان با حمایت قضات و مشاوران حقوقی وارد عرصه کار و تلاش شده و در کنار مردان به تکاپوهای اقتصادی و اجتماعی پرداختند.

از طرفی آیین زرتشت و تعالیم مزدایی در این دوره زمانی، از مقبولیت عام برخوردار بود زیرا معترضانی همچون مزدک نیز اساس آیین خود را بر آموزه‌های زرتشت استوار نموده

بودند. نیز فتواهای مطرح شده در ماتیکان بیشتر حول محور زنان مالکیت و اموال دور می‌زد. توجه به حقوق زنان در دوره ساسانی دارای چنان اهمیتی بود که انتخاب قاضی و داوران در محاکم قضایی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. به طوری که قاضی شرع تنها در صورت تأهل می‌توانست در دعاوی که یک طرف آن زن است قضاوت کند (شهرزادی، ۱۳۸۶: ۷۲). این مطلب بیانگر اهمیتی است که دین زرتشت به آموزه‌های اخلاقی داشت.

به این ترتیب زن بدون توجه به هم‌رتبگی با مرد از نظر اصلاح وضعیت حقوقی در حال دست یافتن به استقلال است و اطاعتی را که به همسر خویش وعده می‌دهد بیشتر جنبه اخلاص و همدلی دارد تا انقیاد (مظاهری، ۱۳۷۷: ۸۷). افزون بر آن انعطاف و تساهل نسبت به زنان آنان را دارای شخصیت حقوقی ساخت که در این میان برخی قضات و وکلای نیز از حامیان برجسته حقوق زنان در این دوره بودند و زنان را در رسیدن به خواسته‌هایشان یاری نمودند. (همان، ۲۲۲-۲۰۳).

در زبان پهلوی به وکیل یا مشاور حقوقی یاتک گوو (yatak goo) گفته می‌شد (فره وشی، ۱۳۸۱: ۱۴۰-۱۴۱). نباید از نظر دور داشت که مشاوران حقوقی و قضات که بیشتر آنها از موبدان و دین مردان بودند نقش انکار ناپذیری در برخورداری حقوق ستواری زنان داشتند و چنانکه اشاره شد فتواهای آنان امکان حضور رسمی زنان در اجتماع ساسانی را فراهم نمود. بنابراین شرایط تاریخی از یکسو، تلاش و اعتراض زنان به شرایط حقوقی خود به دلیل دور ماندن از حقوق انسانی خویش، آموزه‌های دینی و حضور دین مردان در مناصب قضایی از سوی دیگر بستری فراهم نمود تا زنان در این دوره بتوانند با حصول شرایطی به ستواری رسیده و در اجتماع پدرسالاری آن زمان به عرصه اجتماع و مشارکت‌های اجتماعی وارد شوند.

از آنجایی که تشکیل و دوام خانواده در دین زرتشتی چنان مورد تأکید قرار گرفته که هر کسی از این امر سرباز می‌زد در زمره ضعفا محسوب می‌شد (تفضلی، ۱۳۸۵: ۵۴). تقویت ارزش‌های اخلاقی و رهیافت به دین، و یاری نمودن به افراد برای تشکیل خانواده موجب خشنودی خداوند دانسته شده است (شهرزادی، ۱۳۸۶: ۴۵). بنابراین گرایش به اندیشه‌های

نیک و ترویج تعهد اخلاقی که بنیانش برگرفته از آموزه‌های گاهانی زرتشت بود به‌طور آشکار در صدور قوانین حقوقی ستواری و مدنی قابل مشاهده است.

مزدایور در این باره معتقد است که خانواده و ارتقاء مقام زن در اجتماع ساسانیان ارتباط مستقیم با دین زرتشتی ندارد بلکه در طول تاریخ بنا بر شرایط اجتماعی و با صلاحدید و مشورت سالاران زمانه دگرگونی بسیار به خود دیده است (مزدایور، ۱۳۹۴: ۲۵۶). در ادامه این نکته را باید افزود که هر چند ایجاد شخصیت حقوقی زنان این دوره ارتباط مستقیم با آموزه‌های گاهانی زرتشت ندارد و ایجاد حق در نتیجه تلاش و اعتراضات و شرایط تاریخی و اجتماعی بدست می‌آید اما تاکید بر آموزه‌های اخلاقی و پیوستگی آن با قوانین فقهی مطرح شده در فتوهای ماتیکان در مبحث ستواری زنان را نمی‌توان نادیده انگاشت.

در کعبه زرتشت شاپور اول ضمن تاکید بر استحکام خانواده با اعتقاد دینی مبنی بر افروختن آتش پس از ذکر نام خویش، نام همسرش شهبانو آذرناهد را می‌آورد و سپس اسامی سایر فرزندان نیز قید شده است (عریان، ۱۳۸۲: ۶۵). تقدم نام شهبانو بر فرزندان ذکور در این کتیبه ارزش و قداست از دست رفته زنان را تداعی می‌نماید.

بنابراین زن در حال رهایی از بردگی جسمانی و عقلانی ست (بارتلمه، ۱۳۳۷: ۴۱-۴۰). در این دوره زنان با بازیافتن شخصیت حقوقی در محاکم قضایی حاضر و به ارائه دعوی می‌پرداختند. شایان توجه است که تغییر شرایط حقوقی زنان و ارتقای جایگاه اجتماعی آنان به نسبت ادوار پیشین دارای اهمیت است و گرنه هنوز در موارد متعددی در تفکرات دینی و اجتماعی مردان دارای امتیاز و اعتبار بیشتری هستند و در واقع مردان (قضات و مشاورین حقوقی که معمولاً از طبقه موبدان بودند) مبانی حقوقی زنان را تدوین می‌نمودند؛ اما نسلی که خواهان تغییر وضعیت حقوقی زنان بود برای به عرصه کشاندن آنان تلاش می‌نمود و در پی کسب امتیازاتی برای زنان بود. به‌طوری که در دوره خسرو انوشیروان و در جریان اصلاح نظام مالیاتی زنان از جمله اقشاری بودند که در کنار دانشمندان، خدمه، فقرا، افراد زیر بیست سال و بالای ۵۰ سال و معلولین دارای نقص عضو از پرداخت مالیات معاف شدند (قمی، ۱۳۶۱: ۱۷۹).

تأمل در این موارد و پژوهش در مقررات حقوقی زنان در کتاب ماتیکان نوعی انعطاف و کمرنگ شدن محوریت مردان در مسائل حقوقی را تداعی کرده و اقتدار کهن پدر سالاری به چالش کشیده است هر چند پدر در رأس امور خانواده دارای اختیارات فراوانی بود اما دیگر نمی‌توانست یعنی جامعه با تفکرات جدید نمی‌پذیرفت که پدر یا سالار دوده هر گونه تصمیمی در مورد خانواده و زن و فرزند خویش بگیرد.

این در حالی است که در بینش حقوقی گذشته زن مجاز نبود که از شوهر خویش شکوه کند حتی اگر زیر بار ظلم باشد البته باید به این نکته توجه داشت چنان که در بالا اشاره شد مبانی دینی و حقوقی هنوز نیز خواهان "اطاعت زن از اوامر و نواهی شوهر هستند" (شهرزادی، ۱۳۸۶: ۱۱۱) اما نادیده گرفتن حقوق زن و ظلم به او دیگر روا نبود و مورد اعتراض قرار می‌گرفت. در نظام حقوقی اصلاحی تلاش شده بود که تقدس نظام خانواده و برقراری عواطف خانوادگی بین زوجین مستحکم بماند و این مهم میسر نبود مگر با به رسمیت شناختن حقوق زن در خانواده و اجتماع.

بنابراین احکام قضایی و حقوقی زنان در ماتیکان بویژه در مبحث ستوری و قیمومیت چنان‌که گذشت امکان شناسایی ناهمسویی‌ها و بهم تنیدگی پندارها و نیازها و هویت جامعه عصر ساسانی را فراهم ساخته و به نوعی می‌توان گفت محوریت تحکیم نظام خانواده لابلای فتاوی حقوقی به چشم می‌خورد.

روشن است که تحولات اجتماعی عهد باستان و روند تغییرات انجام شده در بازه زمانی طوری بود که زمان تغییرات و آمدن زنان به عرصه اجتماع در دوره ساسانی و به‌ویژه پس از اصلاحات فرا رسیده بود و این امر تحقق نمی‌یافت مگر با همراهی مردان آگاه و مشاورین حقوقی و قضات. پذیرش این نکته که زنان فراتر از محیط خانواده و در کنار مردان می‌توانند به ایفای نقش پردازند و حضور آنان به پویایی اجتماع می‌انجامد سرانجام در دوره ساسانی محقق گردید و اینک در اجتماع ساسانی زن به حقوقی دست یافت که زنان مشرق زمین در هیچ دوره‌ای به آن دست نیافته بودند.

۵- انواع ستواری

۱- بودک یا طبیعی (Budag) به این صورت که اگر فرد متوفی بیوه جوان یا دختر یا خواهر ازدواج نکرده داشته باشد به عنوان ستور موظف می‌شد تا با ازدواج و بدنیا آوردن فرزندی نسل فرد در گذشته را تداوم بخشد.

۲- کردگ یا تعیین شده (Kardag) در این حالت رییس دوده پیش از مرگ کسی را برای ستواری تعیین کند که این شخص کرده (منسوب) خوانده می‌شد.

۳- گمارده (gumardag) اگر فرد در گذشته بیوه جوان و یا خواهر نداشت و کسی را برای ستوری انتخاب نکرده بود و اموال و دارایی وی به ۶۰ استیر^۴ می‌رسید برای وی ستور مرد و یا زن که البته زن ارجحیت داشت انتخاب می‌کردند که با ازدواج با یکی از خویشان فرد در گذشته جانشینی آورده و فرزند پسری که از این نوع ازدواج ستوری متولد می‌شد فرزند متوفی محسوب می‌گردید (Macuch 2004: 131) ستواری در سه حالت یاد شده پذیرش مسوولیت برای تداوم نسل و بدنیا آوردن فرزند پسر است. (مادگان هزار دادستان، ۱۳۹۸: ۳۴۰). بنابراین با تاکید آیین زرتشت بر تداوم نسل افراد بی پیوند این مساله به مبانی حقوق مدنی و قضایی نیز راه یافته که در این میان زنان به دلیل قدرت باروری و توانایی زایش مورد تاکید و اهمیت قرار می‌گیرند و خود این مبحث، زنان را به نوعی به بطن اجتماع و روابط حقوقی و اجتماعی ستواری وارد ساخته و آنان را قادر به برقراری روابط و حقوق مدنی نمود که از بارزترین امتیازات انواع ستوری زنان، تحقق حضور آنان و مورد توجه قرارگرفتن آنها در جامعه و محافل عرف و شرع بود.

۶- ستواری زنان دوده زاد

دوده زاد (duday-zad) جانشینی که به تبع قیمومیت بدنیا آمده است (مادیان هزار دادستان، ۱۳۹۳: ۲۲۱).

منظور از دوده زاد، کسانی هستند که نه با پیوند و رابطه خونی بلکه با ستواری و یا فرزندخواندگی برای ادامه نسل در دوده (خانواده) زاده می‌شوند (مادگان هزار دادستان، ۱۳۹۸: ۳۴۵). سوالی که در این مبحث قابل توجه است این است: دخترانی که از طریق ازدواج

ستواری زاده می‌شدند آیا دارای حقوقی بودند؟ مثلاً می‌توانستند به ستواری پدر برسند یا خیر؟ با توجه به اینکه در ازدواج ستواری تاکید بر ادامه نسل از طریق فرزند پسر می‌باشد. «اندر دوده زاد به کرده گفت ست که به ستواری پدر نباید گمارند وایبار گفت که وایبار گمارد و به اردشیرخوره وایبار گمارد و به دارابگرد نیز وایبار گمارد و مردک پوسان به نیز همداستان بودند که ایشان وایبار گمارد و دادستان برادر نیز وایبار گمارد و دادستان خواهر نیز وایبار گمارد.»
andar dūdag-zād pad kard-<ag> guft ēstēd kū pad stūrIh Pid nē gumārīšn .wāyayār guft kū ōh abāyēd gumārdānd ud mardag, pusānwih-iz ham-dādistān būd hēnd kū-sān oh gumardan ud dadistan brad-iz ōh abāyēd gumārdan ud dādistān xwah-iz ōh abāyēd gumārdan.

درباره دوده زاد گفته شده است کسانی که در دوده زاده شده‌اند را نمی‌توان به ستواری پدر گمارد ولی قاضی وایبار معتقد است که آنها را باید گمارد در استان اردشیرخوره این کار را انجام می‌دهند و در دارابگرد نیز دوده‌زادگان زن را به قیمومیت می‌گماشتند (مادیان هزار دادستان، ۱۳۹۳: ۲۰۶، مادگان هزار دادستان، ۱۳۹۸: ۳۴۳).

به نظر می‌رسد علاوه بر نظرات و آراء مختلف قضایی به استناد کتاب ماتیکان هزار دادستان، قابلیت اجرایی برخی فتاوی حقوقی و قضایی در مبحث ستوری زنان در برخی مناطق از جمله دارابگرد و اردشیرخوره (فیروزآباد) چنان‌که اشاره گردید بیشتر بوده است به دلیل اهمیت این دو منطقه در دوره ساسانی و حضور موبدان زرتشتی که در واقع قضات بودند و احتمالاً به دلیل حضور برخی قضات حامی حقوق زن در این مناطق و به احتمالی دیگر تلاش و اعتراض خود زنان نیز بی‌تاثیر نبوده است.

از طرفی گفته شده هر گاه زن و شوهر ستر صاحب پسر نشوند و تنها یک دختر داشته باشند این دختر ایوکیین مرد درگذشته خواهد بود (خیرخواه، ۱۳۹۷: ۹۳). به این صورت که در ازدواج ستوری تاکید بر زاییدن فرزند پسر است و گویا تنها از طریق پسران تداوم نسل و ماندن نام پدر منطقی بوده است (مادگان هزار دادستان، ۱۳۹۸: ۳۳۶) اما با وجود این باورها، در اواخر حکومت ساسانی و به‌ویژه بعد از جنبش مزدک، شاهد تساهل و انعطاف‌پذیری قضات زرتشتی در مورد حقوق زنان هستیم.

صرف نظر از موقعیت اجتماعی مهیا شده در دوره ساسانی برای بهبود وضعیت زنان جامعه ریشه موفقیت زنان در این برهه زمانی را می‌توان اعتراضات و شکایات متعدد به مراجع قضایی دانست زیرا بر مبنای کتاب ماتیکان در ادامه موبدان و قضات به صدور فتوهای حمایت‌آمیز از حقوق زنان پرداختند. زروان داد-جوان جم-Zurvandat-i-Yavan-Yam و وای-ایار Vay-Ayar از جمله این حامیان و هواداران حقوق زن بودند که فتوهای حمایت‌آمیز آنان در کتاب ماتیکان هزار دادستان آمده است (مظاهری، ۱۳۷۷: ۲۲۲) این تغییر نگرش در دوره ساسانی بی‌تردید در نتیجه مشکلات حقوقی و اجتماعی بوجود آمده برای زنان و تلاش آنان برای بهبود وضعیت بوده است چنان‌که اشاره شد با توجه به گستره نابسامانی‌های حقوقی و لزوم انجام اصلاحات پس از اعتراضات وسیع اجتماعی همچون جنش مزدک و مطرح شدن اصل مساوات، بهبود وضعیت زنان به‌ویژه در مبحث ستواری را شاهدیم می‌توان گفت این امتیازات که زمان انجامش فرا رسیده بود و باید عملی می‌شد نگاه به زنان را به عنوان اقشار منفعل جامعه دگرگون ساخت زیرا زنان ستوار دارای حقوقی شده بودند که می‌توانستند در اجتماع حضور فعال داشته باشند و وظایف آنان دیگر منحصر به امور خانه‌داری نبود.

به موازات بهبود شرایط زنان در این دوره در چارچوب نظام خانواده، تکلیف‌گرایی اعضای آن نیز توسط قضات مورد تاکید قرار گرفت زیرا معضلات خانوادگی مستقیماً به گستره اجتماع راه خواهد یافت و البته خانواده بدون حضور زن نیز قابل تصور نیست بنابراین رهیافت آموزه‌های دینی و ارزش‌های اخلاقی به مبانی حقوقی و قضایی به استناد کتاب ماتیکان هزار دادستان در جامعه پرآشوب ساسانی زمینه احترام به حقوق زنان راتا حدودی فراهم نمود.

به این ترتیب هر چند زنان در دوره ساسانی به مزایای ارزشمندی دست یافتند اما چنان‌که اشاره شد این به معنای دست یافتن کامل به حقوق انسانی آنان نبود بلکه رگه‌هایی از حضور و اقتدار مردانه هنوز در جامعه ساسانی وجود داشت اما کسب امتیازات مورد اشاره از جمله تن ستواری و ستواری توسط زنان تازگی داشت و از این نظر دارای اهمیت فراوان است زیرا

زنان از پستوی منازل به عرصه فعالیت‌های اجتماعی وارد شده و در کنار مردان به ایفای نقش پرداختند از طرفی حقوق و امتیازاتی بدست آوردند که در سایر دوره‌ها معمول نبود. زنان در این برهه زمانی به دنبال تغییر وضعیت حقوقی و اعتراضات مکرر به مبانی حقوقی که فقط اقشار مرفه را در جامعه پوشش می‌داد و دست مردان را در بسیاری از امور باز می‌گذاشت، توانستند با همراهی قضات و موبدان تغییراتی را در شرایط حقوقی و مالی ایجاد نمایند.

بنا بر شواهدی که در کتاب ماتیکان ذکر شده و آگاهی‌های مندرج در فتوهای حقوقی زنان ستوار، پنداشته‌های حقوقی در مورد آنان مورد بازبینی و بررسی قرار گرفت. نکته مهمی که نباید آن را از نظر دور داشت کمرنگ شدن باورهای ناخوشایند دیرین در مورد زنان، به بازیابی هویت‌های حقوقی در مورد آنان انجامید و دگرگونی‌هایی را در زندگی اجتماعی و اقتصادی آنان در عصر ساسانی ایجاد نمود و آنان را به عرصه فعالیت‌های اجتماعی وارد ساخت.

۷- نتیجه‌گیری

هویت جامعه ساسانی چنان که بیان گردید یک هویت دینی مبتنی بر انگاره‌های مذهب زرتشت بود که البته در فرایند طبقاتی جامعه ساسانی متحول گردیده بود. ماتیکان هزار دادستان به عنوان یک متن حقوقی و قضایی بر جای مانده از عصر ساسانی پویایی، دوام و ایستایی فرهنگی دینی و هویتی این عصر را به تصویر کشیده است. ستواری زنان که در ابتدا با استفاده از قدرت باروری برای ادامه پیوند و نسل افراد بی‌فرزند مورد توجه و استفاده قرار گرفت در ادامه با همراهی قضات و مشاورین حامی حقوق زنان به مباحث مختلف جامعه از جمله واگذاری اموال و جانشینی تغییر یافت زنان ستوار با تلاش توانستند امتیاز تن ستواری و سالاری خویش بر خانواده را به‌دست بیاورند از طرف دیگر هرچند در ازدواج ستواری برای تداوم نسل تاکید بر زایش فرزندان پسر است اما چنان‌که دیدیم دخترانی که در نتیجه چنین ازدواجی متولد می‌شدند با رأی برخی قضات و در برخی مناطق از جمله اردشیر خوره و دارابگرد توانستند قیمومیت پدر را به‌دست بیاورند. روایت ماتیکان از ستواری زنان جامعه ساسانی بیانگر پشت سر نهادن مشکلات و اعتراضات زنان در دوره‌های قبل از ساسانیان نیز

می باشد که در فرایند جنبش های اجتماعی همچون مزدک و مطرح شدن اصل مساوات مجال بازنگری یافت. هر چند پاره ای اندیشه های سنتی و نادیده گرفتن حقوق زنان هنوز در جامعه رواج داشت؛ اما جهش و برخورداری های حقوقی زنان در مبحث ستواری در این عصر غیر قابل انکار بوده و تازگی داشت. مبانی حقوقی مطرح شده در ماتیکان محدودیت ها و قوانین ظالمانه نسبت به زنان و اعمال سلیقه طبقات بالای اجتماع را به چالش کشانده و تحکیم مبانی اخلاقی و رویکرد درست دینی را از ضروریات ستواری زنان می داند که به ایجاد یک نظام اجتماعی متعادل می انجامد. بنابراین زنان پس از سپری نمودن دوره های سخت تبعیض و آشوب در این دوره به حقوقی دست یافتند که تا کنون سابقه نداشت. امتیاز ستواری در مواردی چون جانشینی و قیمومیت اموال و ورود آتشکده ها به مبحث زن ستواری، زنان را به عرصه اجتماع و رقابت با مردان در زمینه های اقتصادی و اجتماعی کشاند. بنابراین در دوره ساسانی اقتدار کهن پدرسالاری به چالش کشیده شد و بسیاری از فتوهای حقوقی مورد بازبینی قرار گرفت و زنان ستوار با آراء و حمایت قضات و مشاورین حقوقی در مواردی به مقام سالاری نیز رسیده و توانستند قابلیت های زنانه خویش را اثبات کنند و در اجتماع عصر ساسانی در کنار مردان به فعالیت پردازند.

کتابنامه

- ابن حوقل، (۱۳۶۶)، *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: امیر کبیر.
- اکبری، امیر (۱۳۸۲)، *تاریخ اجتماعی ایران در عصر ساسانیان*، پژوهشی پیرامون نقش طبقات اجتماعی در تحولات تاریخی، چاپ اول، مشهد: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد بجنورد با همکاری انتشارات محقق.
- اندرزنامه های پهلوی (بی تا)، اندرز آذرباد مهر اسپندان و اندرز خسرو قبادان، ترجمه اردشیر آذرگشسب، تهران: فرهنگ آریایی
- اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۱)، *دانشنامه مزدیسنا*، چاپ اول، تهران: مرکز.
- آسموس، ج. پ (۱۳۸۶)، *اصول عقاید و اعتقادات دیانت زرتشتی*، ترجمه فریدون دهمن، تهران: جامی.

بارتلمه، کریستیان (۱۳۳۷)، *زن در حقوق ساسانی*، ترجمه و مقدمه از ناصرالدین صاحب الزمان، تهران: عطایی.

بندهش (۱۳۹۷)، *فرنیغ دادگی، گذارنده مهرداد بهار*، تهران: طوس.

بنونیست، امیل (۱۳۸۶)، *دین ایرانی*، ترجمه بهمن سرکاراتی، تهران: قطره.

بویس، مری (۱۳۸۶)، *آیین زرتشت*، ترجمه ابوالحسن تهامی، تهران: نگاه.

بهار، مهرداد (۱۳۸۴)، *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران: آگاه.

بهار، مهرداد (۱۳۹۰)، *ادیان آسیایی*، چاپ نهم، تهران: چشمه

پیگولوسکایان (۱۳۷۲)، *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه عنایت الله

رضا، چاپ دوم تهران: علمی و فرهنگی

تفضلی، احمد (۱۳۵۴)، *مینوی خرد*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

خیرخواه، احمد (۱۳۹۷)، *پادشاه زن*، چاپ اول، تهران: سبزان.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت نامه*، چاپ دوم، ج ۸، تهران: دانشگاه تهران.

روایت امید آشوهیستان: (۱۳۷۶)، *تدوین آوانویسی و ترجمه از متن پهلوی زهت صفای*

اصفهانی، تهران: مرکز.

ریمون. ارون (۱۳۶۳)، *مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی*، ترجمه باقر پرهام، ج ۲، تهران:

سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

زنر، آرسی (۱۳۸۴)، *زروان یا معمای زرتشتی گری*، ترجمه تیمور قادری، چاپ اول

تهران: امیرکبیر.

سگالن، مارتین (۱۳۸۰)، *جامعه شناسی تاریخی خانواده*، ترجمه حمید الیاسی، تهران: دنیای

کتاب.

شهرزادی، رستم (۱۳۸۶)، *قانون مدنی زرتشتیان در زمان ساسانیان*، به کوشش مهرانگیز

شهرزادی، چاپ دوم، تهران: فروهر

عریان، سعید (۱۳۷۱)، *متون پهلوی*، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

عریان، سعید (۱۳۸۲)، *راهنمای کتیبه های ایرانی میانه (پهلوی-پارتی)*، تهران: کارنگ.

- فروه‌وشی، بهرام (۱۳۸۱)، *فرهنگ زبان پهلوی*، چاپ چهارم، تهران: دنیای کتاب.
- قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱)، *تاریخ قم*، ترجمه جلال الدین تهرانی، تهران: طوس.
- کریستنسن، آرتور (۱۳۹۴)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، چاپ چهارم، تهران: نگاه
- گوبل، روبرت (۱۳۸۴)، *گل مهرهای تخت سلیمان*، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: میراث فرهنگی.
- مادگان هزار دادستان: *هزار رای قضایی دادگستری ساسانی سده سوم تا هفتم میلادی* (۱۳۹۸)، گردآوری فرخ‌مرد بهرامان، گزارش علی کاکای افشار، چاپ اول، تهران: سمرقند.
- مادیان هزار دادستان: *هزار رای حقوقی* (۱۳۹۳)، گردآورنده فرخ‌مرد بهرامان، مقدمه ترجمه و آوانوشت متن پهلوی سعید عریان، چاپ دوم، تهران: علمی.
- مزدایور، کتیون (۱۳۸۹)، «بررسی چند اصطلاح فارسی میانه درباره خانواده»، *دوفصل‌نامه زبان شناخت علمی تخصصی پژوهشگاه علوم انسانی، بهار و تابستان*، س ۱، ش ۱.
- مزدایور، کتیون (۱۳۹۴)، *ادیان و مذاهب در ایران باستان*، چاپ اول، تهران: سمت.
- مظاهری، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *خانواده ایرانی در دوران پیش از اسلام*، ترجمه عبدالله توکل، تهران: قطره.
- منشی، نصرالله (۱۳۷۷)، *کلیله و دمنه، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی*، چاپ شانزدهم، تهران: امیرکبیر.
- ناس، جان بایر (۱۳۸۵)، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، چاپ شانزدهم، تهران: علمی و فرهنگی.
- نامه تنسر به گشنسپ (۱۳۵۴)، *تصحیح مجتبی مینوی*، گردآورنده مجتبی مینوی و محمداسماعیل رضوانی، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- نفیسی، سعید (۱۳۸۳)، *تاریخ تمدن ایران ساسانی*، به اهتمام عبدالکریم جریزه وار، چاپ اول، تهران: اساطیر.

هیلنز، جان (۱۳۹۵)، *شناخت اساطیر*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، چاپ نوزدهم، تهران: چشمه.

یسنا(بی تا)، تفسیر و تالیف ابراهیم پورداود، از نفقه پشوتن مارکر، ج ۱، بمبئی: انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی و ایران لیگ بمبئی

Bartholomae, ch, (1961) *Altiranisches Worterbuch*. Berlin: Walter De Gruyter

Crone. p.1991. *kavad sheresy and mazdak s revolt ambridge*

Geldner, K.F. (1886). *Avesta: The sacred Books of the Parsis* stuttgart: W. Kohlhammer

Macuch, M. (2004) *Inheritance Encyclopedia Iranica*, London-Newyork: E yarshater (Ed). Routtedge Kegan Paul. Vol. xlll Fasc 2, pp. 125-131

Perikhanian, Anahit (1997), *The Book of Thousand Judgements (a sasanian) Law-Book*, troNina Garsoian, Casta mesa, California and Newyork : Mazda publishers

West, E.W 1880: *Pahlavi Texts, Part, I, The sacred Books of the East*, vol V, Reprint 1965, 1977, India.

References:

A narration of the hope of Ashooshistan. (1376). edited and transcribed and translated from Pahlavi text Nezhat Safa Esfahani, Tehran: Markaz .

Akbari, Amir. (1382). *Social History of Iran in the Sassanid Era, A Study on the Role of Social Classes in Historical Change*, First printing, Mashhad: vise chancellor of Azad university of Bojnoord in collaboration with Mohaghegh Publications.

Asmussen, G.P. (1386). *The Zoroastrian Religion: A Collection of Three Articles*, translated by Fereydoon Wahman, Tehran: Jami.

Bahar, Mehrad. (1384). *Research in Iranian Myths*, Tehran: Agah.

Bahar, Mehrdad. (1390). *Asian religious*, ninth edition, Tehran: Cheshmeh.

Barthelme, Christian. (1337) *Woman in Sasanian Law*, Translated by: Nasser al-Din Saheb-Zemani, Tehran: Ataii

Barthelme, Christian. (1961) *Altiranisches Worterbuch*. Berlin: Walter De Gruyter.

Boise, Mary. (1386). *Zoroastrianism*, translated by Abolhassan Tahami. Tehran: Negah.

Christian, Arthur. (۱۳۹۴). Iran in the Sasanian era, translate by rashidyasemi, Fourth Printing, Tehran: Negah

Crone.p. (1991). Kavad sheresy and mazdak s revolt ambridge.

Dehkhoda, Aliakbar. (1377). Dictionary (Vol. 8), Second Printing, Tehran: Tehran University Press.

Farah vashi, Bahram. (1381). Pahlavi language culture, fourth printing, Tehran: The word of books.

Geldner, K.F. (1886). Avesta: The sacred Books of the Parsis stuttgart: W. Kohlhammer

Goobel, Robert. (1384). Flower of Takht-e-Soleiman Seals, translate by Faramarz Najd samiee, Tehran: Cultural Heritage.

Heinels, John. (1395). Understanding Myths of Iran, translated by Jaleh Amouzegar & Ahmad Tafazoli, nineteenth Printing, Tehran: Cheshmeh.

His servant. (1397). Farnabagh Dadghi, Editor of Mehrdad Bahar, Tehran: Toos.

Ibn Huql's. (1366). Surat al-Arz, translate by Jafar Shoar, Tehran: Amirkabir.

Kheirkhah, Ahmad. (1379). The King of Women, First Printing, Tehran: Sabzan.

Leeter Tanser to goshnasb. (1354). correct by Mojtaba Minavi, collector Mohamad Esmael Resvani, second printing Tehran: Kharazmi.

Macuch, M. (2004). Inheritance Encycloopia Iranica, London-Newyork: E yarshater (Ed). Routtedge Kegan Paul. Vol. xlll Fasc 2, pp. 125-131

Madian Thousand Prosecutors (Thousands of Legal Votes) (1393). Collector Farrokhmard Bahraman. translated by Saeed Uryan, Second Printing, Tehran: Academic.

Magdalens of Thousands of Prosecutors: Thousands of Judges of Sassanid Justice in the Third to Seventh Centuries AD (1398). Collector Farrokhmard Bahraman, the report Ali Kakai Afshar, Fiest Printing, Tehran: Samarghand.

Mazaheri, Ali Akbar (1377). The pre-Islamic Iranian family. Translated by Abdullah Tavakol., Tehran: Qatreh.

Mazdapour, Katayoun. (1389). A review of some Middle Persian terms about family, tw0 Quarterly journal of specialized s scientific Linguistics of the Institute of Humanities, spring and summer, 1st year, N1 .

Mazdapour, Katayoun. (1394). Religions and religions in ancient Iran, First Printing, Tehran: samt.

Monshi, Nasrollah. (۱۳۷۷). Kalila wa Dimna, correct by mojtaba minavi tehrani, sixteenth Printing, Tehran: Amirkabir.

Nafissi, Saeed. (1383). History of Sassanid Iranian Civilization, to try AbdolKarim Jorbozehdar, First Printing, Tehran: Asatir.

Nas, john Bayer. (1385). Comprehensive History of Religions, translated by Ali Asghar Hekmat, Sixteenth Printing, Tehran: Scientific and Cultural..

Oshidari, Jahangir. (1371). Mazdisena Encyclopedia, First Printing, Tehran: Center.

Pahlavi, s Advice. (Bi ta). Advice inhabited Azar Abad Mehr, Espandan and Khosrow Gobadan Advice , translated by Ardeshir Azar Goshnasb, Tehran: Ariaee Dictionary.

Perikhanian, Anahit (1997), The Book of Thousand Judgements (a sasanian) Law-Book), tro Nina Garsoian, Casta mesa, California and Newyork : Mazda publishers

Piguluskaya, N. (1372). Iranian cities in Parthian and Sassanid times, translated by Enayatollah Reza, second printing, Tehran: : Scientific and Cultural Publishing

Qomi, Hasan bin Mohammad. (1361). Qom History, translate by Jalaluddin Tehrani, Tehran: Toos.

Raymon, Aaron. (1363). The Essential Stages of Thought in Sociology, translated by Bagher Parham, vol 2, Tehran: Organization and Publication of the Islamic Revolution.

Segalen, Martin. (1380). Historical Sociology of the Family, translated by Hamid Elyassi, Tehran: The world of boos.

Shahrzadi, Rostam.. (138۶). Zoroastrian Civil Law in the Sassanid Period, to try Mehrangiz Shahrzad ,second printing, Tehran: Faravahar.

Tafazoli, Ahmad. (1354). Minoos shattered, Tehran: Foundation for Iranian Culture.

Uryan, Saeed. (1371). Pahlavi Texts. Tehran: National Library of the Islamic Republic of Iran Publication.

Uryan, Saeed. (1382). A Guide to Middle Persian Inscriptions (Pahlavi-Parthian), Tehan: Karang.

West, E.W. 1880: Pahlavi Texts, Part, I, The sacred Books of the East, vol V, Reprint 1965, 1977, India.

Yasna, (bita). Interpreted compiled by Ebrahim Poordavood, According to marker pashutan, volume 1, bumbai: Iranian bumbai zoroasterians association Iran bumbai league.

Zehner, R.C. (1384). Zurvan a zoration Dilemma, translated by Timura Ghaderi, first Edition, Tehran, Amirkabir.

پی‌نوشت

۱. این واژه اصطلاحی تخصصی است که ممکن است ترجمه‌های مختلفی داشته باشد از جمله جانشینی جایگزین، جانشینی وابسته یا جانشینی وکالتی (یارشاطر و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۲۵). تاریخ ادبیات فارسی، زیر نظر احسان یارشاطر، به کوشش رونالد امریک، ماریا ماتسوخ، ترجمه فارسی زیر نظر ژاله آموزگار، چاپ اول، ج ۱۷، تهران: انتشارات سخن.

۲. زن ای چکر کا پرور آش ایوین ابرو بویت ا تا دات ای ۷۰ سال پت برور داریشن (مادیان هزار دادستان همان، ۳۶۴، گزارش کاکای افشار).

۳. ا کا کرد... بوت کی گفت کو - اش ستوار و گماریش ن، ب ی خوت پت ستواری کس نی شاییت (همان: ۱۰۹) نقطه‌چین افتادگی در خود متن اصلی بوده است.

۴. استیر مقداری معین و آن شش درم و نیم است، وزنی معادل شش درم و نیم که چهار مثقال و نیم بود (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۲، ۲۲۰۳-۲۲۰۲).

۵. رویه است اما در اینجا عنوان کتابی حقوقی است که کرده‌ها را در آن گردآوری کرده بوده‌اند و به زمان ما نرسیده است (مادیان هزار دادستان، ۱۳۹۸: ۳۴۳).